



## بررسی کارکرد سازمان تجارت جهانی در ایجاد بستری عادلانه در تجارت بین الملل

(نمونه موردی بخش گمرک)

مسعود صداقت: دانشجوی دکتری، گروه حقوق بین الملل، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران.

مسعود راعی: گروه حقوق، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران (نویسنده مسئول).

علیرضا آرش پور: گروه حقوق، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران.

### چکیده

در نظام بین الملل آنارشیک، تاسیس نهادهای بین المللی و تخصصی یکی از مهمترین اقدامات در قرن بیستم به شمار می رود. نهادهایی که رسالت اولیه آنها کنترل و کاهش بی عدالتی های ناشی از فقدان قوه نظم دهنده در نظام بین الملل بود. سازمان تجارت جهانی از جمله مهمترین سازمان های بین المللی است که وظیفه ذاتی آن تنظیم قواعد جهانی تجارت و حل اختلافات میان اعضا برای دسترسی به سطح مطلوبی از عدالت بین المللی در زمینه تجارت بین الملل است. کشورهای در حال توسعه بخش قابل توجهی از اعضای این سازمان را تشکیل می دهند. از جمله مسئله های مهم در بحث از سازمان تجارت جهانی، اختلافات میان این سازمان و کشورهای در حال توسعه است. کشورهای در حال توسعه سازمان تجارت جهانی را یک نهاد بین المللی در خدمت کشورهای توسعه یافته می دانند، و بر این اساس حمایت این سازمان از کشورهای در حال توسعه حداقلی است. پرسش پژوهش حاضر این است که مشکل بی عدالتی موجود در سازمان تجارت جهانی در قبال کشورهای در حال توسعه چگونه قابل رفع است؟ به نظر می رسد (فرضیه) اصل ادامه برنامه های کاربردی در این بخش مورد اتفاق باشد؛ اما می بایست برای دستیابی به عدالت بهره مندی از مزایای سازمان تجارت جهانی می بایست به موافقت نامه های سازمان تجارت جهانی که رفتار ویژه ای را با کشورهای در حال توسعه به اشکال مختلف پیش بینی نموده اند اعمال شوند. این رفتارها شامل رفتار ویژه در صدور مجوزهای گمرکی، رفتار ویژه در ارزش گذاری های گمرکی و رفتار ویژه در خصوص قواعد مبدأ سازمان تجارت جهانی می باشد. زیرا اصولاً اعمال رفتارهای ترجیحی زمانی می تواند موثر و مطلوب باشد که برآمده از نیازهای واقعی جوامع در حال توسعه باشد و راه کاری کارساز جهت رفع مشکلات آنها ارائه کند و مهم تر از همه با گروه های ذینفع این ترجیحات یعنی کشورهای



در حال توسعه مشورت و نظرات و پیشنهادات آنها در این راستا اخذ شود در حالی که این مطلب در زمینه رفتارهای ویژه و متفاوت رعایت نشده است.

**کلمات کلیدی:** سازمان تجارت جهانی، عدالت بین‌المللی، رفتار متفاوت، کشورهای در حال توسعه، گمرک، قواعد مبدأ.



## مقدمه

در حال حاضر روند سیستم تجارت چندجانبه در چهارچوب قوانین و مقررات سازمان تجارت جهانی انجام می‌شود و از آنجایی که جهانی‌سازی اقتضاء پیوستن کشورهای جهان را به سازمان تجارت جهانی دارد و پیوستن به سازمان تجارت جهانی از ضرورت‌های مبرم در روند جهانی شدن به حساب می‌آید و از آنجایی که کشورها با سطح توسعه‌ای متفاوت محتمل پیوستن به این سازمان هستند، بنابراین سازمان تجارت جهانی برای رفع این مشکل استثنائاتی را نسبت به کشورهای در حال توسعه مقرر کرده تا به این طریق بتواند اقتصادشان را به پای اقتصادکشورهای پیشرفته برساند. سیستم تجارت چند جانبه سازمان تجارت جهانی فقط منافع کشورهای توسعه یافته را در نظر نگرفته است. کشورهای در حال توسعه برای افزایش مزایای استفاده از سیستم تجارت چند جانبه و با هدف کاهش انتقادات برنامه‌های توسعه‌ای، تحت برنامه‌های کاربردی گات با انواع رفتار ویژه و متفاوت به توسعه‌هایی رسیده‌اند. اعمال رفتار ویژه و متفاوت در گات، برای بهبود شرایط دسترسی به بازار کشورهای توسعه یافته است، اما به دلایل مختلف برنامه‌های کاربردی رفتار ویژه و متفاوت نسبت به کشورهای در حال توسعه که تحت گات اعمال می‌شد و فوایدی که مورد انتظار بود به نتیجه‌ای نمی‌رسید. اما با وجود پیشرفت در کاربردهای رفتار ویژه و متفاوت در مقررات جدید توسعه‌ای استدلال کشورهای در حال توسعه در برنامه‌های کاربردی در چهارچوب سیستم تجارت چند جانبه ناکافی بودن آن است. اصل رفتار ویژه و متفاوت<sup>۱</sup> در قبال این جوامع نصب‌العین فعالیت‌های این سازمان بوده و در ابتدای تمام موافقت‌نامه‌ها و در سنگ بنای همه مذاکرات خود به این اصل توجه نموده است. در همین راستا در این پژوهش قصد آن داریم تا به بررسی این رفتارهای متفاوت در حوزه‌ی گمرکی، در نظام حقوقی سازمان جهانی تجارت بپردازیم. اما قبل از آن لازم است مقدماتی را پیرامون ماهیت و دلایل رفتارهای متفاوت با کشورهای در حال توسعه بیان کنیم.

### ۱- ماهیت رفتار متفاوت و ویژه سازمان تجارت جهانی با کشورهای در حال توسعه

به صورت سنتی کشورهای در حال توسعه در قالب گات و نیز سازمان در پی برقراری رفتار متفاوت و مساعدتر به نفع خود بوده‌اند تا از این طریق مشروعیت جنبه توسعه‌ای نظام تجاری را افزایش دهند. یک چنین اصلی در سال ۱۹۷۹ از طریق تصویب بند معروف به «توانمندسازی»<sup>۲</sup> به صورت یک عامل دائمی و ثابت در نظام تجاری در آمد. به طور خلاصه این اصل

<sup>۱</sup>. Special and Differential Treatment.

<sup>۲</sup>. Enabling Clause.



خواهان دسترسی ترجیحی به بازار برای کشورهای در حال توسعه است و معامله به مثل کشورهای در حال توسعه را در ادوار مذاکره‌ای در سطوحی محدود می‌سازد که ملازم و سازگار با احتیاجات توسعه‌ای آنان باشد. به این ترتیب ملاحظه می‌شود که این اصل آزادی عمل بیشتری را در اختیار کشورهای در حال توسعه قرار می‌دهد تا آنها اجازه داشته باشند که سیاست‌های تجاری دیگری را غیر از آنچه که به وسیله گات مجاز شناخته شده اعمال نمایند.

رویکرد رفتارهای ویژه و متفاوت با کشورهای در حال توسعه به همین سادگی در نظام حقوقی و موافقت‌نامه‌های سازمان جهانی تجارت وارد نشده و مورد پذیرش قرار نگرفته است. از گذشته و قبل از شکل‌گیری گات و متعاقب آن سازمان جهانی تجارت، در تعبیر حقوق بین‌الملل که مبتنی بر عرف‌ها و رویه‌های بین‌المللی می‌باشد اصلی تحت عنوان اصل تساوی دولت‌ها و حاکمیت‌ها وجود داشته است. بدین نحو که هیچ دولتی بر دیگری ترجیح ندارد و آنها از حیث حقوق و تعهدات با یکدیگر برابر بوده و مسائل و عوامل مختلفی چون وسعت، سطح توسعه و... دلیلی بر تفاوت حقوق و تعهدات آنها نمی‌باشد. در دوران حیات گات و با ورود اعضای جدید به این موافقت‌نامه رفته رفته اعتراضاتی توسط کشورهای در حال توسعه و نیز کشورهای با سطح توسعه پائین‌تر به این رویکرد یکسان میان اعضا و در نظر نگرفتن مشکلات و تفاوت‌های اقتصادی و توسعه‌ای آنها آغاز شد تا اینکه در اواسط دهه ۱۹۵۰ گات برای کاهش این فشارها تصمیم بر آن گرفت تا اندکی از اصل عدم تبعیض و برابر دولتها عدول نماید و استثنائاتی را بر این اصول به نفع کشورهای در حال توسعه وارد سازد. (امیدبخش، ۱۳۹۹، ۴)

نخستین موارد عدول از این اصل آن بود که گات کشورهای در حال توسعه را قادر ساخت برای پرورش و حمایت از صنایع داخلی تحت شرایط مشخص نسبت به تعهدات تعرفه‌ای بی‌اعتنا باشند و نیز تدابیر غیر تعرفه‌ای همچون سهمیه بندی و دیگر اقدامات محدود کننده را اجرا نمایند تا تاسیس یک صنعت خاص در چارچوب قلمرویشان را ارتقا بخشند. (رضایی، ۱۴۰۰، ۹۹) آنها در ادامه نیز این امکان را یافتند برای حل مشکلات ناشی از تراز پرداخت‌هایشان از این محدودیت‌ها استفاده نمایند. این موارد نخستین اقدامات برای عدول از اصل عدم تبعیض و برقراری نوعی رفتار ویژه و متفاوت با کشورهای در حال توسعه بود. رفته رفته در سایر اصول حاکم بر گات و سازمان جهانی تجارت نیز در راستای حمایت از کشورهای در حال توسعه و در نظر گرفتن وضعیت نامساعد آنها تعدیلات و استثنائاتی برقرار شد. از جمله آنکه یکی از اصول گات بحث تجارت منصفانه می‌باشد که ضمانتی برای کارآمدی و نتیجه بخش بودن همه اصول گات است. این اصل از یک سو، اعضا را از اتخاذ روشهای تجاری غیرمنصفانه منع و از سوی دیگر امکان برقراری روش‌های منصفانه برای حمایت از منافع اساسی کشورهای عضو را اعطا می‌کند. از جمله اعمالی که بر اساس این اصل منع شده است بحث اعطای یارانه‌های صادراتی می‌باشد که غالباً با دخالت‌های دولت شکل می‌گیرد و سبب می‌شود قدرت رقابت کالاهای بهره‌مند از اقدامات غیرمنصفانه به نحو غیرقابل



توجهی افزایش یابد و در واقع بنگاهی که از آن یارانه بهره می برد هزینه های تولید یا فروشش کاسته و قابلیت رقابت پذیری افزایش می یابد. گات ضمن آنکه این رویه را منع می کند در مقابل به اعضایی که تحت تاثیر این یارانه ها قرار می گیرند اجازه اتخاذ اقدامات جبرانی را می دهد. منتها از جمله تعدیلاتی که نسبت به این اصل به نفع کشورهای در حال توسعه برقرار شده آن است که در برخی موارد و تحت شرایطی امکان برقراری این یارانه ها را دارند، حتی این نکته به طور خاص در موافقت نامه خدمات سازمان جهانی تجارت نیز تصریح و برقرار شده است. (اردکانی، ۱۳۹۹، ۱۱۲)

همانطور که مشاهده می شود رفتار های ویژه و متفاوت با کشور های در حال توسعه که امروزه به عنوان یک اصل در رژیم حقوقی سازمان جهانی تجارت مطرح است، خود استثنایی بر سایر اصول سازمان و از جمله اصل مهم عدم تبعیض می باشد. هدف سازمان فراهم کردن قواعد و اصولی است تا به اعضایش اجازه دهد به رشد و توسعه دست یابند، بی آنکه مانعی برای پیشرفت دیگران شوند. هدف این رفتار های ویژه و متفاوت آن است تا به کشورهای در حال توسعه در این فرآیند اولویت بیشتری دهد. ضمن آنکه این رفتارها راهکاری برای توسعه نیست بلکه هدف واقعی آن اصلاح و تعدیل سیاست ها و ساختارهای تجاری این کشورهاست. در یک کلام پایه و اساس این رفتارها مبتنی بر این است که همه کشورها موافق هستند که نباید از کشورهای در حال توسعه انتظار داشت که در یک سطح با کشور های توسعه یافته به رقابت پردازند و در نتیجه آنها نیازمند معافیت ها و تعدیل هایی نسبت به برخی از مقررات هستند.

در واقع قواعد حقوق بین الملل اقتصادی مبتنی بر اصل تبادل و نفع هستند، لذا هر نوع مبادله ای دست کم متضمن وجود مزایایی احتمالی برای طرفهای درگیر در فعالیت های اقتصادی است. اما نفع متقابل باید در گسترده ترین مفهوم خود درک شود. مثلاً این مفهوم باید امتیازات غیر مستقیمی که برای جبران نابرابری ها به یک کشور در حال توسعه تعلق می گیرد را نیز تحت پوشش قرار دهد. کشور اعطا کننده امتیاز در چنین معامله به ظاهر نابرابر کاملاً متضرر نیست؛ برای مثال با در نظر گرفتن این ترجیحات جذب و ادغام کشورهای در حال توسعه در سازمان و تمایل آنها به مشارکت در نظام های تجاری بالا می رود این امر می تواند بازارهای بیشتری را با توجه به تعدد این کشورها برای اعطا کننده امتیاز فراهم کند. جدای از این امر کشور اعطا کننده امتیاز به طور غیر مستقیم از کاهش تنش در روابط عملی خود با کشورهای در حال توسعه منتفع خواهد شد. (برمان،<sup>۳</sup>

(۲۰۱۷، ۱۹)

<sup>3</sup>. George A. Berman.



بنابراین رفتار ویژه و متفاوت با کشورهای در حال توسعه از دیدگاه حقوقدانان نوعی نابرابری جبران ساز می‌باشد. در نتیجه هدف ایجاد نوعی نابرابری حقوقی برای دستیابی به یک برابری اقتصادی است و این موضوع یکی از ویژگی‌های گات ۴۷ و ۹۴ می‌باشد و این مطلب منافاتی با برابری حاکمیت کشورها ندارد چرا که کشورها با توجه به حاکمیتی که دارند از روی اراده و اختیار و با اهداف مورد نظر خود چنین امتیازاتی را اعطا می‌کنند. اما درباره اینکه آیا این ترجیحات ماهیت الزام‌آور دارند یا نه بین کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته اختلاف نظر وجود دارد. کشور های در حال توسعه می‌گویند این ترجیحات بخش جدایی‌ناپذیر موافقت نامه‌های سازمان است و همچون دیگر مقررات الزام‌آور هستند. اگر قصد بر این بوده که این مقررات نباید حقی ایجاد کند پس چرا وارد موافقت نامه‌ها شده‌اند. آنها معتقدند که این رفتارها باید نیروی الزام‌آور داشته باشند و به عنوان شرط بهترین تلاش تلقی نشوند. در نقطه مقابل کشورهای توسعه یافته معتقدند که ماهیت این مقررات تعهدات داوطلبانه توسط کشورهای توسعه یافته به نفع کشورهای در حال توسعه است؛ لذا یک اقدام نوع دوستانه می‌باشد. آنها معتقدند که اگر قرار بود اعطای رفتارهای ترجیحی اثرگذار باشد در زمان حیات گات باید موثر می‌بود فلذا معتقدند که در زمان حیات سازمان جهانی تجارت اعطای این ترجیحات کاری بیهوده است و باید مسئولیت و تعهدات کاملی را برای کشورهای در حال توسعه در نظر داشت. آنها معتقدند که اگر کشورهای در حال توسعه از این ترجیحات برخوردار نباشند و بخواهند در نظام تجاری چند جانبه بمانند فشار تعهدات سازمان آنها را مجبور می‌کند تا به اصلاحات در نظام خود دست زنند و هرچه زودتر به رشد و توسعه پایدار دست یابند. (هوگمن، ۲۰۰۷، ۲۷)

## ۲- دلایل رفتار ویژه و متفاوت با کشورهای در حال توسعه در سازمان تجارت جهانی

در این مبحث سعی شده است به بررسی دلایل و مبانی ای پرداخته شود که موجب طرح و پیش بینی رفتارهای ویژه و متفاوت شده است؛ به گونه ای که با بررسی آنها می‌توان پی به اهدافی برد که سازمان با در نظر گرفتن این ترجیحات به دنبال آن است.

### ۲-۱- ادغام کشورهای در حال توسعه در سازمان تجارت جهانی

یکی از دلایل مهم رویکرد ترجیحی در قبال کشورهای در حال توسعه ادغام آنها با کشورهای توسعه یافته در یک نظام تجاری واحد است. اما این ادغام به طور عادی به لحاظ سطوح متفاوت توسعه آنها دشوار و پیچیده است. کشورهای در حال توسعه و کمتر توسعه یافته همواره مشتاق برقراری ارتباط سازنده و مثبت بین قواعد سازمان جهانی تجارت و اهداف توسعه ای بوده اند و هستند به طوری که به توسعه آنها کمک کند. کشورهای توسعه یافته مایل هستند هدف سازمان جهانی تجارت



را صرفاً آزاد سازی تجاری قلمداد کنند اما کشور های در حال توسعه معتقدند هدف کلیدی این سازمان توسعه است. (استگر دبرا،<sup>۴</sup> ۲۰۰۷، ۴۹۲) برای ادغام این دیدگاه های مختلف و گاهی متضاد تمهیداتی باید اندیشیده می شد. برای نمونه در دور اروگوئه مقرر شد از سال ۱۹۹۵ کشورهای صنعتی ۵ سال برای هماهنگ سازی مقررات خود با قوانین سازمان جهانی تجارت فرصت داشته باشند. در حالی که این مهلت برای کشورهای در حال توسعه ۱۰ سال تعیین شد. یعنی یک فرصت پنج ساله بیشتر به کشورهای در حال توسعه داده شد تا شرایط ادغام در نظام تجاری جدید را برای خود فراهم کنند.

ولی آیا شکاف توسعه کشورهای صنعتی و در حال توسعه از لحاظ زمانی پنج سال است. برای برخی از کشورهای در حال توسعه این شکاف از یک قرن هم تجاوز می کند. از سوی دیگر باید اذعان داشت که نفوذ بین المللی کشورهای در حال توسعه در سازمان های بین المللی قابل مقایسه با نیمه اول قرن بیستم نیست. کشورهای در حال توسعه با توجه به اکثریتی که در سازمان جهانی تجارت دارند و با هماهنگی و همکاری و افزایش توان علمی، فنی و اطلاعاتی خود می توانند امتیازات قابل توجه در صحنه تجارت جهانی کسب کنند. لذا تحقق صحیح و مطلوب فرآیند ادغام کشورهای کمتر توسعه یافته و در حال توسعه در یک نظام تجاری واحد در قالب سازمان جهانی تجارت مستلزم رفتار متفاوت و ویژه در مورد این گروه از کشورها می باشد و این توقعی مشروع از سوی آنها برای غلبه بر نقاط ضعفی است که معلول فرصت های از دست رفته آنها در روند پیشرفت و توسعه اقتصادی جهان در طول قرن بیستم است. فرصتی که کشورهای توسعه یافته با تکیه بر داشته های پیشین خود و اتخاذ سیاست های کارآمد اقتصادی در سایه ثبات سیاسی بازیافته بعد از جنگ جهانی دوم به خوبی از آن بهره گرفتند و تعادل اقتصادی بین کشورهای شمال و جنوب را به نفع خود به شکل برگشت ناپذیری برهم زدند. لذا کشورهای فقیر و در حال توسعه قدرت رقابت اقتصادی به خصوص در بخش صنعت را ندارند. (گالاگر کرین،<sup>۵</sup> ۲۰۰۸، ۶۲)

با این حال علی رغم وجود این هدف، در سال های اخیر منتقدان شک و تردید هایی نسبت به تاثیر این رفتارهای ترجیحی به عنوان ابزاری برای ادغام کشورهای در حال توسعه در تجارت چند جانبه داشته اند. آنها به این نکته اشاره می کنند که بعد از گذشت سال ها از اجرای کنوانسیون لومه که به طور سخاوتمندانه دسترسی ترجیحی را برای کشورهای در حال توسعه فراهم کرده است ولی در بهبود عملکرد تجاری این کشورها اثری نگذاشته و در واقع شکست خورده است.

4. Steger debra.

5. Gallagher kerin.



## ۲-۲- حمایت از تولیدات داخلی در سازمان تجارت جهانی

در کنار هدف ادغام این کشورها در سازمان جهانی تجارت، هدف دیگری که زمینه ساز این چنین رویکرد ترجیحی در سازمان است، بحث تعدیل حمایت از تولیدات داخلی است. علی رغم اینکه حمایت از تولیدات داخلی با فلسفه تجارت آزاد که از اهداف سازمان جهانی تجارت است مغایرت دارد. اما دولت ها هنوز در قبال اتباع داخلی خود احساس نوعی مسئولیت می کنند و حمایت از اقتصاد داخلی مورد پشتیبانی اکثر کشورهاست. پذیرش اصل رفتار بدون تبعیض با تولیدات داخلی و وارداتی گویی با مفهوم سنتی حاکمیت در قلمرو سرزمینی در تضاد است و ضربه ای شدید به گرایش حمایت از اقتصاد داخلی که مورد پشتیبانی اکثر کشورهاست وارد می سازد.

اما این حمایت گرایی ها از زمان تاسیس سازمان کنترل و تعدیل شده و قواعد این سازمان تاثیر فزاینده ای بر وضعیت جهانی به خصوص بر روند جهانی شدن و نظام داخلی کشورها گذاشته است. موضوع حمایت گرایی همواره از مباحث مطروحه در نشست های وزیران سازمان بوده و هست به طوری که در دور دوحه نیز این حمایت ها نفی شده است.

سیاست حمایت گراییه کشورهای در حال توسعه بیشتر متأثر از وضعیت اقتصادی آنهاست. اقتصادهای شکننده این گونه کشورها غالباً بدون اتخاذ سیاست های حمایتی از سوی دولت هایشان تاب مقابله با هجوم ناشی از آزادسازی تجاری را ندارد. لذا در سازمان جهانی تجارت علی رغم نفی اصولی سیاست های حمایت گراییه اعطای امتیازاتی در این زمینه به کشورهای کمتر توسعه یافته و در حال توسعه لازم تشخیص داده شده است. در واقع این کشورها به لحاظ اینکه بازار داخلی شان از حمایت اندکی برخوردار است امکان محدودی برای کاهش تعرفه ها به عنوان مهم ترین ابزار حمایت دارند و ضمن آنکه کشورهای کمتر توسعه یافته ای که در مراحل اولیه صنعتی شدن می باشند قبل از دستیابی به یک موفقیت مناسب رقابتی و فراهم ساختن زمینه های لازم برای توسعه صادرات قادر به کاهش تعرفه ها نیستند. در واقع آزادسازی تجاری در این مرحله از توسعه صنعتی به صنایع نوپای آنان زیان وارد می سازد. بالاتر از همه چانه زدن برای کاهش تعرفه ها مستلزم این است که یک کشور از تراز پرداخت های متعادلی جهت تعیین حجم و ترکیب واردات برخوردار باشد حجم واردات نیز قبل از هر چیز بستگی به وجود ارز دارد و ترکیب واردات را سطح توسعه اقتصادی یک کشور تعیین می کند از این رو پافشاری کشورهای توسعه یافته در کسب امتیازات متعادل و تعهدات برابر از کشورهای کمتر توسعه یافته به رشد اقتصادی آنها لطمه می زند (امیدبخش، ۱۳۹۹: ۴۹)

در واقع رفتارهای متفاوت باید به این سمت باشد که به رشد و توسعه این کشورها از طریق صنعتی شدن و افزایش تنوع صادراتی کمک کند که این امر می تواند از طریق امکان برخی حمایت های داخلی مانند الزام محتوای داخلی، عملکرد صادراتی،



تعرفه های بالاتر و... فراهم شود در این صورت است که با دست یابی به حدی از توسعه می توان از آنها انتظار داشت پایه پای سایر اعضا در نظام تجاری چندجانبه مشارکت کنند. لازم به ذکر است که حتی برخی از منتقدان مانند نوام چامسکی، اساس سازمان جهانی تجارت را مغایر با منافع کشورهای غیر توسعه یافته دانسته و معتقدند که مقررات این سازمان به خصوص حقوق مالکیت فکری مانعی بزرگ در جهت توسعه پایدار این کشورها بوده و آنها را از رشد اقتصادی و خلاقیت فکری باز می دارد. این منتقدان با نگاهی تاریخی به الگوهای توسعه یافتگی کشورهای پیشرفته نظیر آمریکا خاطر نشان می کنند که اگر قوانین سازمان جهانی تجارت در قرون گذشته حاکم بود امکان توسعه این کشورها نیز وجود نداشت (کنستانتین، ۲۰۱۸: ۱۹)

این یک امر بدیهی است که ورود کالاهای خارجی مانع رشد تولید می شود؛ زیرا تا زمانی که کالاها سیل آسا از خارج وارد می شود، نمی توان برای بالا بردن تولید برنامه ریزی کرد. همه کشورهایی که توانسته اند به اقتصاد خود سر و سامان بدهند و پیشرفت کنند، در اولین مراحل، برای ایجاد امکان انباشت سرمایه، گرد کشور خود دیوار گمرکی کشیدند. بنابر این بدیهی است زمانی می توان امید به پیشرفت و توسعه کشورهای در حال توسعه داشت که تحت شرایط تعدیل شده ای در سازمان جهانی تجارت و موافقت نامه های آن امکان حمایت از بخش های داخلی شان وجود داشته باشد.

در مجموع نیاز کشورهای در حال توسعه به امتیازات و دسترسی های ترجیحی به بازار کشورهای توسعه یافته بعضا ناشی از سطح توسعه صنعتی آنهاست که توان رقابت بین المللی ندارند و بعضا نیز به دلیل سیاست های صنعتی و تجاری آنهاست که به صورت مالیات بر صادرات عمل می کند و لذا بدون این ترجیحات فاقد توان رقابتی هستند.

### ۳- رفتارهای متفاوت و ویژه سازمان تجارت جهانی با کشورهای در حال توسعه در حوزه گمرکی

سازمان تجارت جهانی در بخش گمرک نیز رفتارهای متفاوت و ویژه ای با کشورهای در حال توسعه دارد که در این بخش به این رفتارها خواهیم پرداخت.

### ۳-۱- رفتار ویژه در صدور مجوزهای گمرکی

گرچه از منظر سازمان جهانی تجارت ایجاد محدودیت های غیر معقول در تجارت خارجی منع شده است؛ با این وجود برخی کشورها به منظور کنترل های آماری یا مقاصد گمرکی نسبت به برقراری نظام های مجوز ورود اقدام می کنند که اگر جنبه

<sup>6</sup>Constantin michalopoulos



بازدارنده نداشته باشد و از قواعد موافقت‌نامه‌ی رویه‌های صدور مجوز<sup>۷</sup> تبعیت کند، مجاز شناخته شده است (گروه نویسندگان، ۱۴۰۱: ۳۵۸) منظور از مجوزهای ورود، کلیه‌ی روش‌ها و ترتیبات اداری است که مستلزم ارائه‌ی هرگونه درخواست یا سایر مستندات به یک رکن اداری به عنوان پیش‌شرط واردات کالا باشد. موافقت‌نامه‌ی رویه‌های صدور مجوز که به دنبال ساده‌سازی و ایجاد شفافیت در رویه‌هاست از اعضا می‌خواهد که این رویه‌ها را به طریقی خنثی، منصفانه و یکسان به کار گیرند؛ قوانین و شرایط اداری برای عموم منتشر شود و فرم‌های تقاضا و رویه‌های آن تا حد امکان ساده باشند. به طور کلی دو دسته رویه‌ی صدور مجوز وجود دارد که عبارتند از رویه‌های خودکار و غیر خودکار که تاکید موافقت‌نامه بیشتر بر اعمال رویه‌های خودکار است. رویه‌های خودکار هنگامی مطرح است که همواره به تمامی درخواست‌ها و تقاضاهای واصله به شرط رعایت شرایط قانونی مجوز اعطا شود که بیشتر جنبه‌ی آماری دارد. اما رویه‌های غیر خودکار نقطه مقابل آن است و هر رویه‌ای است که با تعاریف و شرایط رویه خودکار منطبق نباشد و یک یا چند شرط آن رانقض کند که معمولاً هدف آن اعمال محدودیت‌های مقداری و سهمیه بندی است. (هوگمن و میکالوپولوس، ۱۴۰۰: ۱۳۹)

اما از منظر رفتارهای ویژه و متفاوت در این موافقت‌نامه نیز، موارد محدودی از امتیازات برای کشورهای در حال توسعه در نظر گرفته شده است:

(۱) مورد اول یک دوره‌ی انتقالی ۲ ساله برای به تعویق انداختن برخی از شرایط رویه‌های صدور مجوز خودکار است. بدین نحو که گرچه علی‌الاصول باید بتوان درخواست‌های مجوز را در هر روز کاری قبل از ترخیص کالا از گمرک تسلیم کرد و نیز باید درخواست‌های آنرا که به نحو مقتضی و کامل تسلیم شده است را به طور فوری و حداکثر ظرف ۱۰ روز کاری مورد موافقت قرار گیرد، اما امکان تعویق ۲ ساله‌ی اجرای این دو تعهد برای کشورهای در حال توسعه وجود دارد. (آگوستین، ۱۳۹۸: ۹۲)

(۲) مورد دوم در خصوص آمار واردات از محصولات مشمول مجوز ورود است (ارزش و حجم واردات) که نباید از کشورهای در حال توسعه انتظار داشت که در این رابطه مسئولیت‌های اداری یا مالی اضافی را متقبل شوند و نباید بار اضافی را بر آنها تحمیل کرد. (اینگکو، ۱۴۰۰: ۱۵۳)

7. Import Licencing Procedures.



۳) مورد سوم آنکه اعضا در صدور مجوزهای ورود باید توجه ویژه‌ای نسبت به آن دسته از واردکنندگانی که محصولات خود را از مبدا کشورهای در حال توسعه‌ی عضو و خصوصاً کشورهای دارای کمترین درجه‌ی توسعه‌یافتگی تامین و وارد می‌کنند به عمل آورند. (آگوستین، ۱۳۹۸: ۱۱۱)

همان طور که ملاحظه شد این موافقت‌نامه به دنبال شفاف کردن و قاعده‌مند ساختن یکی از رویه‌های کشورهای یعنی صدور مجوزهای واردات است که کشورها بنا بر اهداف مختلف از آن بهره می‌برند. در این راستا، این موافقت‌نامه آن را منع نمی‌کند، منتها در پی قاعده‌مندسازی آن است تا کشورها با سوء استفاده از آن، آن را تبدیل به یک مانع غیرتعرفه‌ای نسازند. به نظر می‌رسد این موافقت‌نامه از حیث اجرا، برای کشورهای در حال توسعه‌ای مانند ایران مشکل‌زاست؛ زیرا اعمال آن و انجام اصلاحات در آن، زمان‌بر و نیازمند منابع مالی است که البته در ارتباط با نیاز به زمان موافقت‌نامه این امکان را داده است تا در مورد برخی تعهدات، تقاضای مهلت برای کشورهای در حال توسعه وجود داشته باشد. اما بهتر بود سازمان در مورد موافقت‌نامه‌هایی که بار مالی برای کشورهای کم درآمد دارند، از جمله این موافقت‌نامه، راهکاری بیندیشد. نکته‌ی مثبت این موافقت‌نامه، آن است که از اعضا خواسته شده است تا در صدور این مجوزها توجه ویژه به کالاهای وارده از مبدا کشورهای در حال توسعه و توجه به نیازهای آنها شود. اما نکته‌ی منفی آن، این است که صرفاً در مقام اعلام قصد است، ولی مکانیزم آن و معیاری برای نظارت بر اجرای آن، وجود ندارد و بیشتر جنبه‌ی اختیاری دارد.

### ۳-۲- رفتار ویژه در ارزش‌گذاری‌های گمرکی<sup>۸</sup>

موافقت‌نامه‌ی ارزش‌گذاری گمرکی از جمله موافقت‌نامه‌هایی است که به دنبال تضمین عملکرد درست سایر موافقت‌نامه‌های کالایی است. اگر قرار باشد گمرکات کشورها در بحث ارزش‌گذاری‌ها با اتخاذ شیوه‌های متفاوت عمل نمایند، چه بسا ممکن است با اعمال ترفندهایی دستاورد موافقت‌نامه‌ها و مذاکرات را بی‌اثر سازند. میزان تعرفه و عوارض را می‌توان به صورت معین یا از طریق ارزشی یا ترکیبی از دو روش تعیین کرد. در روش معین، یک مبلغ مشخص و از پیش تعیین شده برای مقادیر مشخصی از کالا محاسبه می‌شود. اما در روش ارزشی، عوارض تابعی از میزان ارزش کالای وارداتی می‌باشد و مثلاً ارزش گمرکی در نرخ معین عوارض مثلاً ۵ درصد ضرب می‌شود تا عوارض قابل وصول حاصل شود. موافقت‌نامه‌ی فوق صرفاً برای تعیین ارزش‌گذاری گمرکی کالای وارداتی در مواردی است که از روش ارزشی استفاده می‌شود و تعهداتی را بر اعضا بار نموده است تا از مکانیزم‌های مشخصی برای تعیین ارزش کالای وارداتی استفاده کنند. (طارم‌سری، ۱۳۹۸: ۱۶۲)

<sup>8</sup>. Customs Valuation.



براساس موافقت‌نامه، شش روش برای تعیین ارزش واقعی کالای وارداتی بیان شده که یک از آنها اصلی‌ترین معیار است و در صورتی که نتوان از روش اول استفاده کرد، سایر روش‌ها بسته به شرایط پیش‌بینی شده در موافقت‌نامه جایگزین خواهند شد. همان‌طور که گفته شد روش ارزش معاملاتی کالا معیار اصلی در تعیین ارزش کالا است که صرفاً مبتنی بر قیمت واقعی پرداخت شده یا قابل پرداخت کالا است که عموماً در فاکتور فروش درج می‌شود. اما چنانچه ارزش معاملاتی در دسترس نبوده و یا قابل قبول توسط مقامات نباشد، سایر روش‌ها که در طول هم قرار دارند تحت شرایط و ضوابطی که موافقت‌نامه ذکر کرده است جانشین هم می‌شوند که عبارتند از روش ارزش معاملاتی کالای همسان، ارزش معاملاتی کالای مشابه، روش نقصانی، روش محاسباتی و روش ترکیبی. (رضایی، ۱۴۰۰: ۱۹۲)

موافقت‌نامه‌ی ارزشگذاری گمرکی، برای کشورهای در حال توسعه و کشورهای در کمترین درجه توسعه یافتگی، چندین استثنا را به عنوان رفتار ویژه و متفاوت برای این گروه از کشورها قائل شده است. به موجب ماده‌ی ۲۰ موافقت‌نامه و پیوست سوم آن، این استثنائات به شرح زیر است:

۱) تاخیر در اجرای مقررات موافقت‌نامه که طبق بند ۱ ماده ۲۰ به آن دسته از کشورهای در حال توسعه که در پایان دور اروگوئه هنوز به موافقت‌نامه ضوابط ارزشگذاری دور توکیو نپیوسته بودند اجازه داده است تا اجرای مقررات را برای یک دوره پنج ساله تاخیر اندازند. این دوره برای کشورهایی که ناکافی باشد اگر قبل از انقضای دوره پنج ساله تقاضا برای تمدید داده شود ممکن است تمدید گردد.

۲) تاخیر در بکارگیری روش ارزش محاسباتی؛ به لحاظ دشواری‌ها و مشکلات اجرایی که این روش دارد به کشورهای در حال توسعه اجازه داده شده است که آن را حداکثر به مدت سه سال دیرتر از مقررات موافقت‌نامه به کار بندند.

۳) اجازه موقت به کارگیری معیار حداقل ارزش گمرکی قابل قبول؛ در این مورد به این کشورها اجازه داده شده است در مواردی که در نظام‌های گمرکی قبلی خود از معیار حداقل ارزش گمرکی استفاده می‌کردند بتوانند در شرایط و زمان کاملاً محدودی این ترتیبات را حفظ کنند که شرایط و مصادیق آن بایستی به تأیید کمیته برسد.

۴) اجازه استفاده از حق شرط نسبت به ماده ۴ موافقت‌نامه؛ براساس ماده ۴ واردکننده می‌تواند تقاضای جابجایی به کارگیری روش نقصانی با روش محاسباتی را به عمل آورد اما بند ۳ از پیوست ۳ موافقت‌نامه اجازه داده تا این کشورها به این درخواست ترتیب اثر ندهند.



۵) استثنا از شرایط به کارگیری روش نقصانی در مواردی که کالای وارد شده مورد پردازش قرار می‌گیرد؛ در این حالت اگر کالا به همان وضع وارد شده فروخته نشده و پس از انجام عملیات تکمیلی و پردازش در بازار به فروش می‌رسد اگر وارد کننده تقاضا کند می‌توان ارزش گمرکی را با روش نقصانی بر مبنای قیمت واحدی از فروش کالای پردازش شده که در آن قیمت بیشترین حجم فروش را دارد محاسبه کرد و تعدیلات لازم را متناسب با ارزش افزوده ناشی از عملیات پردازش در کشور وارد کننده به عمل آورد و از ارزش محاسبه شده کسر نمود.

۶) ارائه کمک‌های فنی نیز تسهیل دیگری است که در بند ۳ ماده ۲۰ پیش بینی شده تا کشورهای توسعه یافته در زمینه هایی مثل آموزش پرسنل، آماده سازی و تدارک اجرای موافقت نامه، دسترسی به منابع اطلاعاتی مربوط به روش های ارزشگذاری و ارائه مشورت لازم در به کارگیری شرایط و مفاد موافقت نامه به آنها کمک نمایند.

این موافقت نامه به هدف رفع یک از موانع غیرتعرفه‌ای بر سر راه تجارت ایجاد شده تا به شفاف سازی، قابلیت پیش بینی و انتظام بخشی در رویه ها در جهت ارزشگذاری گمرکی دست یابد منتها تنها مشکل در مورد این موافقت نامه در مورد کشورهای در حال توسعه بحث اجرای تمام و کمال آن است که البته برخی مطالعات دلایل آن را عدم تعلق خاطر این کشورها و عدم حس ضرورت در اجرا و نیز ترس آنها از کاهش درآمدهای گمرکی که بخش قابل توجهی از بودجه آنها را در بر می‌گیرد و نیز نگرانی مقامات و کارکنان اجرایی گمرکات در زمینه مشکلات عملی در فعالیتهای روزانه کاری ذکر کرد. ولی علاوه بر این دلایل مهم ترین مشکل اجرایی این موافقت نامه بحث ایجاد اصلاحات در رژیم گمرکی آنهاست در حالی که زیر ساخت های این کشورها در این حوزه سطح پائین است و اصلاحات در این بخش به زمان، سرمایه گذاری و منابع مالی کافی خصوصا در جهت ساختارها، نهادهای مدرن، پایگاه های اطلاعاتی، آموزش کارکنان و فراهم آوردن فناوری های لازم نیازمند است (kleen & Page, 2005: 110)

### ۳-۳- رفتار ویژه نسبت به کشورهای در حال توسعه در خصوص قواعد مبدأ سازمان تجارت جهانی

در قواعد مبدأ، معیارهای مورد استفاده برای تعریف یک محصول که در آن ساخته شده بود می‌باشد. قواعد مبدأ مجموعه ضوابط و معیارهایی هستند که برای تعیین مبدأ ساخت یا تولید کالا مورد استفاده قرار می‌گیرد. قواعد مبدأ برای اجرای تدابیر و اقدامات ویژه کشوری در زمینه تجارت و همچنین جمع‌آوری آمارهای اقتصادی و بازاریابی یک محصول جنبه اساسی دارد. به زعم بسیاری از کشورهای در حال توسعه، الزامات قواعد مبدأ پیچیده و حتی در مواردی طاقت فرسا است. در هر حال تنوع و گوناگونی در مقررات مبدأ می‌تواند به مشکلات جدی در زمینه دسترسی به بازار منجر شود. به علاوه بسیاری از کشورها



تحت تأثیر منفی تغییرات قواعد مبدأ در کشوری توسعه‌یافته به ویژه در حوزه محصولات کشاورزی و پوشاک و منسوجات قرار داشته‌اند. بنابراین کشورهای مذکور نفعی اساسی در هماهنگ‌سازی قواعد مبدأ دارند. (Keck, Alexander, low, Patrick, 2004: 153) از لحاظ کشورهای در حال توسعه، مشکلات در اجرای قواعد مبدأ که اغلب می‌خواهد درصد بالایی از ارزش کالا از طریق پردازش در کشور صادر کننده اضافه گردد و همچنین محدودیت‌های جاری و مورد عمل (مانند سهمیه‌های تعرفه‌ای) سبب شدند که صادرکننده آن نتوانند از مزیت‌های نظام عمومی ترجیحات استفاده چندانی نمایند.

قواعد مبدأ به دو نوع قواعد مبدأ غیرترجیحی و قواعد مبدأ ترجیحی تقسیم می‌شوند. قواعد مبدأ غیرترجیحی به عنوان وسیله‌ای برای تعیین مبدأ کالا در چهارچوب ابزارهای سیاست تجاری سازمان تجارت جهانی، در مورد تجارت مبتنی بر اصل دولت کامله الوداد اعمال می‌شود. مانند ترتیبات و روش‌های مربوط به عنوان ضد دامپینگ، محدودیت‌های مقداری در موافقت‌نامه پوشاک و منسوجات و سهمیه‌هایی که شامل ترتیبات ترجیحی نیستند. قواعد مبدأ ترجیحی در چهارچوب رژیم تعرفه ترجیحی مانند سیستم عمومی ترجیحات مناطق تجارت آزاد و گروه‌بندی‌های اقتصادی منطقه‌ای اعمال می‌گردد. هدف از قواعد مبدأ ترجیحی اعطای رفتار ترجیحی، مانند حقوق و عوارض ترجیحی، سهمیه‌های خاص و مواردی از این نوع به کالاهای وارداتی است. قواعد مبدأ ترجیحی بر دو قسم‌اند. قراردادی و داوطلبانه (مستقل) قواعد مبدأ قراردادی غالباً در مذاکرات دوجانبه ناشی می‌شود و هدف آنها تنظیم الگوهای تجاری طرفهای متعاقد و جلوگیری از کسب امتیاز کشورهای ثالث از موافقت‌نامه آنان است این مقررات مثلاً در مورد انتقال کالا از یک وسیله به وسیله نقلیه دیگر در قالب اینگونه موافقت‌نامه‌ها اعمال می‌گردد. قواعد مبدأ داوطلبانه که عموماً در قواعد مبدأ سیستم عمومی ترجیحات تبلور یافته است. (طارمسری، ۱۳۹۸: ۲۱۱)

جلوه‌ای از خصوصیت داوطلبانه امتیازات سیستم عمومی ترجیحات به عنوان یک کل است. این ماهیت داوطلبانه در اعلامیه عمومی منضم به موافقت‌نامه نظام عمومی ترجیحات و قواعد مبدأ با تصویب قطعنامه شماره ۲۱ مورخ ۲۶ مارس ۱۹۶۸ در اجلاس دوم کنفرانس تجارت و توسعه ملل متحد (آنکتاد) تحت عنوان «ورود آزادانه یا ترجیحی کالاهای واردتی ساخته و نیمه ساخته کشورهای در حال توسعه به کشورهای توسعه یافته»، کشورهای در حال توسعه امکان یافتند مقادیر زیادی از کالاهای ساخته و نیمه ساخته و همین‌طور محصولات کشاورزی خود را با شرایط ترجیحی به کشورهای صنعتی صادر کنند. به موجب همین قطعنامه حقوق گمرکی متعلق به ورود مصنوعات و محصولات یاد شده کاهش یافته یا حذف شدند. بنابراین آگاهی از این ترجیحات تعرفه‌ای برای صادر کنندگان به هنگام ارائه پیشنهاد و عقد قرارداد اهمیت دارد. لازمه ورود به جرگه کشورهای



اعطاکننده ترجیحات با نرخ‌های حقوق و عوارض سیستم عمومی ترجیحات آن است که مبدأ کالا در یک کشور دریافت کننده ترجیحات طبق قواعد مبدأ مقرر توسط کشور وارد کننده باشد. (پروز،<sup>۹</sup> ۲۰۰۷، ۱۲۵۸)

### نتیجه گیری

کشورهای در حال توسعه برای استفاده بهینه از منافع سیستم تجارت چندجانبه و برای افزایش بهینه‌سازی تجارت بین‌المللی در برنامه‌های کاربردی رفتار ویژه و متفاوت که امروزه در محدوده سازمان تجارت جهانی انجام می‌شود و برای به توافق رسیدن موضوع آن در وضعیت فعلی و آینده در مباحثات آنها شرکت می‌کنند. کشورهای در حال توسعه نظام تجارت چندجانبه را سیستمی می‌دانند که فقط در خدمت منافع اقتصادی کشورهای توسعه یافته است و حمایت سازمان تجارت جهانی از کشورهای در حال توسعه را ناچیز می‌دانند و حتی ادعا دارند این حمایت‌ها کمتر از آنچه پیش‌بینی شده اعمال می‌گردد. در مباحثات کشورهای در حال توسعه، ادعاها و انتقاداتی در مورد عقب‌نگه داشتن برنامه‌های کاربردی رفتار ویژه و متفاوت وجود دارد. با وجود اختلافات در برنامه‌های کاربردی در رابطه با شکل و ویژگی، در ضرورت بر ادامه برنامه‌های کاربردی همفکری و اتفاق نظر وجود دارد. در بخش گمرک، موافقتنامه‌های سازمان تجارت جهانی هر یک رفتار ویژه‌ای را با کشورهای در حال توسعه به اشکال مختلف پیش‌بینی نموده‌اند که شامل رفتار ویژه در صدور مجوزهای گمرکی، رفتار ویژه در ارزش‌گذاری‌های گمرکی و رفتار ویژه در خصوص قواعد مبدأ سازمان تجارت جهانی می‌باشد. در مورد میزان موفقیت رفتارهای متفاوت در حوزه گمرکی در نظام حقوقی سازمان جهانی تجارت باید گفت قائل شدن رویکرد ترجیحی در قبال کشورهای در حال توسعه از نظر تئوری امری قابل ستایش است که نباید با همه به یک نحو رفتار کرد و از وضعیت متفاوت آنها غافل ماند ولی از حیث عملی و تبدیل به واقعیت کردن این مطالبه همچنان جای کار دارد که انتظار می‌رود در ادوار مذاکراتی آینده با حضور فعال خود کشورهای در حال توسعه مکانیزم‌های روشن‌تر و عملی‌تر برای آنها در نظر گرفته شود. اصولاً اعمال رفتارهای ترجیحی زمانی می‌تواند موثر و مطلوب باشد که برآمده از نیازهای واقعی جوامع در حال توسعه باشد و راه کاری کارساز جهت رفع مشکلات آنها ارائه کند و مهم‌تر از همه با گروه‌های ذینفع این ترجیحات یعنی کشورهای در حال توسعه مشورت و نظرات و پیشنهادات آنها در این راستا اخذ شود در حالی که این مطلب در زمینه رفتارهای ویژه و متفاوت رعایت نشده است. این رفتارها در غالب موارد سطحی و صرفاً در مقام اعلام قصد بوده، سازوکار اجرایی منظمی برای آنها در نظر گرفته نشده، ضمانت‌اجرای موثر برای عدم اجرای آنها پیش‌بینی نشده و مهم‌تر از همه به نیازهای واقعی و علاقه‌مندی‌های این کشورها توجه نکرده است. به‌گونه‌ای که

<sup>9</sup>. Prowse, susan.



تصمیمات راجع به این رفتارها در ادوار مذاکراتی قبلی در اتاق سبز و توسط کشورهای قدرتمند و بدون حضور آنها اتخاذ شده و تعهدات زیادی برایشان ایجاد کرده است که از توان آنها بیشتر است. فلذا مطلوب آن است که در وضع و اصلاح این رفتارها با خود کشورهای در حال توسعه نیز مشورت شده و مشارکت فعال آنها را نیز فراهم کنند.

### فهرست منابع

- ۱) اردکانی، مسعود و نصیری، میترا (۱۳۹۹) تجارت خدمات در سازمان جهانی تجارت، تهران، شرکت چاپ و نشر بازرگانی.
- ۲) آگوستین و دیگران (۱۳۹۸) کشورهای در حال توسعه و سازمان جهانی تجارت، فرصت‌ها و چالش‌ها، ترجمه احمد یزدان پناه و سیف اله صادقی یارندی، تهران، موسسه مطالعاتی پژوهش‌های بازرگانی.
- ۳) امید بخش، اسفندیار (۱۳۹۹) برخورد ویژه و مطلوب‌تر با کشورهای در حال توسعه در چارچوب مقررات سازمان جهانی تجارت، مجموعه مقالات همایش بررسی جنبه‌های حقوقی سازمان جهانی تجارت، تهران، موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی.
- ۴) رضایی، محمد تقی (۱۴۰۰) نظام حقوقی سازمان جهانی تجارت، تهران، نشر میزان.
- ۵) طارم سری، مسعود و صادقی یارندی، سیف الله (۱۳۹۸) کشورهای در حال توسعه و دستور کار توسعه دوحه در سازمان جهانی تجارت، تهران، نشر ثالث.
- ۶) گروه نویسندگان (۱۴۰۱) سازمان جهانی تجارت (ساختار، قواعد و موافقت‌نامه‌ها)، تهران، شرکت چاپ و نشر بازرگانی.
- ۷) هوکمن، برنارد و میکالوپولوس، کنستانتین (۱۴۰۰) بهبود اصل رفتار ویژه و متفاوت برای کشورهای در حال توسعه، ترجمه مسعود طارم سری و سیف الله صادقی یارندی، تهران، نشر ثالث.
- ۸) اینگکو، مرلیندا (۱۴۰۰) کشاورزی و سازمان جهانی تجارت، ترجمه بهرام خزین، تهران، موسسه پژوهش‌های برنامه ریزی و اقتصاد کشاورزی.
- 9) A.berman , George & C.mavroidis , petros (2017) OTW law and developing countreis , new York , Cambridge university press.
- 10) Debra, Steger (2007) Ahe culture of the OAO: why need ti change”, journal of international economic law, no.3.
- 11) Keck, Alexander, low, Patrick (2004). Special and differential treatment in the wto: why, when and how? Wto staff working paper, ERSD- 2004- 03.



- 12) Kerin , Gallagher (2008) Understanding developing country resistance to the doha round ,review of international political economy ,no.1.
- 13) Kleen, peter & Page, Sheila (2005) Special and differential treatment of developing countries in the world trade organization, Stockholm, ministry for foreign affair.
- 14) Hoekman , Bernard (2007) Trade preferences and differential treatment of developing countries, world bank press , no.12.
- 15) Matthews , Alan (2018) Special and differential treatment in the OAO agriculture negotiations”, trinity college Dublin , no.61.
- 16) Mitchell , Andrew (2006) A legal principle of special and differential treatment for OTW disputes , London , world trade review.
- 17) Prowse ,susan (2007).The Role of international and national Agencies in trade- Related capacity Building.World Economy, 25(9), p.1235- 1261.